

حضرت تعالی می فرماید در رابطه با اصفهان و نجف آباد و اینهاست دیگر. آن بحثی که شد سؤال کردند مسائل و جریانات اخیر اصفهان، نجف آباد، عدم توجه و پیشگیری لازم توسط وزارت کشور، بعد گفته اند که از شما سؤال شده بود عناصری که وابسته به آن گروه هستند، در دستگاہها هستند، چقدر به این توجه شد، نشد. شما در این رابطه می توانید صحبت بکنید (دعایی: پس توضیح می دهم) اما این که خود ایشان را ظاهراً من نشنیدم کسی بگوید که ایشان جزو آن باند یا آن گروه یا اینها وابسته به آن گروه، کسی ایشان را معرفی نکرد. به هر حال این توضیح را اگر شما می خواهید بدهید، بدهید.

سید محمود دعایی: من فکر می کنم در این زمینه یکسری مستندات هست که خود ایشان ارائه دادند، دوستانی هم که بعد از من صحبت خواهند کرد یا وقتی که خود ایشان خواهند داشت، به آن خواهند پرداخت. من به نکته اساسی تر اشاره می کنم و آن شخصیت قابل اعتماد و شخصیتی که به هر حال در دورانی که فتنه مهدی هاشمی مطرح بود، خود ایشان یکی از تیرهایی بود که... (رئیس: بگذارید خودشان صحبت کنند، من دارم جلسه را اداره می کنم، بفرمایید) من احکامی را که برادرمان آقای نوری از اول انقلاب تا به الآن دریافت کرده اند را ذکر می کنم تا شخصیت ایشان را از خلال آن احکام بفهمیم.

رئیس: ببینید آقای دعایی! اینها دو مرتبه خارج از موضوع می شود.

سید محمود دعایی: اگر خارج از موضوع می شود، من نمی خواهم تخلف کنم، عذر می خواهم. اگر شما تشخیص می دهید که ادامه صحبت من باعث تشنج مجلس می شود و خدای ناکرده خارج از ضوابط است، من کنار می روم.
رئیس: خیلی متشکر می شویم، حالا که آقای انصاری هم هستند و صحبت می کنند.

دعایی: به هر حال من امیدوار هستم که برادران در یک لحظه آزمون دیگری هم به آقای خاتمی و به مردمی که به آقای خاتمی رأی داده اند، وفاداری خودمان را نشان بدهیم. والسلام علیکم ورحمة الله.

رئیس: متشکر، خیلی ممنون. خوب آقای انصاری بفرمایید.

مجید انصاری: بسم الله الرحمن الرحيم

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم. ما يُلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ.^۱

با سلام و صلوات به ارواح طيبة انبیا و اولیا و شهیدان و امام شهیدان و با عرض تسلیت به همه همکاران گرانقدر و ملت شریف ایران به مناسبت مصیبت‌هایی که در ماه صفر جهان اسلام و انسانیت را تا ابد عزادار کرده است. (رئیس: ۲۷ دقیقه مجموع وقت است، تنظیم بفرمایید) با توضیحات جامع و کاملی که جناب آقای نوری وزیر محترم کشور در جلسه صبح و امروز عصر در پاسخ به موارد استیضاح داشته‌اند، تصور می‌کنم چندان نیازی به توضیحات بنده نباشد، اما دو مطلب را جناب آقای نوری گذرا از آن عبور کردند و چند موضوع جزئی که در محدوده وقت به آن می‌پردازم.

دو سه نکته جزئی مقدماتی که خارج از موارد استیضاح هم نیست آن است که اولاً اداره وزارت کشور با همه وزارتخانه‌های دیگر تفاوت اساسی دارد و مدیریت در آنجا با نگاهی دیگر باید مورد ارزیابی قرار گیرد. بسیاری از خواسته‌های متضاد در آنجا تمرکز پیدا می‌کند که وزارت کشور باید با تدبیر و زیرکی خاص تا آنجا که مقدور است، خواسته‌های نمایندگان محترم مردم، ائمه محترم جمعه که سنگربانان امنیت، آرامش و استقرار فکر و فرهنگ جامعه در کشور هستند و همچنین خواسته مردم کشور را تأمین بکنند و در بسیاری از موارد تأمین خواسته همه این عزیزان در یک حوزه جغرافیایی خاص، در یک حوزه سیاسی میسر نیست.

بنده یک سال معاونت پارلمانی وزارت کشور را عهده‌دار بودم و قبل از آن هم دو دوره در مجلس، دقیقاً اقتضای خواسته نمایندگان که عمدتاً برخاسته از خواست مردم و در جهت منافع مردم است، از یک سو و مشکلات تأمین همه نظرات نمایندگان محترم از سوی دیگر را بالعیان آنجا لمس کرده‌ام. کراً اتفاق می‌افتاد که در استانی یا در شهرستانی یا در منطقه‌ای برای نصب مدیری وزارت کشور با پیشنهادات متفاوت و بعضاً رودررو از سوی نهادهای محترم مردمی و اجتماعی-سیاسی مواجه می‌شد که تلطیف و هماهنگی بین آنها بسیار دشوار بود.

مسأله‌ای در صحبت عزیزان مکرر مطرح شد که جناب آقای نوری به آن اشاره‌ای داشتند که ایشان نسبت به خواست مجلس و نمایندگان بی‌اعتنا است. بنده به عنوان

یک شهادت شرعی در آن دورانی که معاونت پارلمانی ایشان را در دور قبل وزارت کشور عهده‌دار بودم و هم‌اکنون نیز با ارتباطات و تماسهایی که دارم، نه تنها این مسأله رد می‌شود، بلکه در مقایسه با دیگر وزارتخانه‌ها، وزارت کشور ارتباط بیشتری را به لحاظ ماهیت کار با مجلس و ائمه جمعه و دیگر نهادها دارند. تعداد ملاقاتهایی که در همین مدت به‌طور دسته‌جمعی یا فردی با نمایندگان محترم بوده است بدون انجام یک گزینش ویژه، گواه این مطلب است.

با همه مشغله سنگین وزارت کشور اختصاص یک روز از هفته برای ملاقات نمایندگان محترم و استماع نظرات و پیشنهادات آنها و احیاناً انتقادات، نشانی از همین واقعیت است.

مسأله‌ای را عزیزان مطرح کردند و من دیدم که در جامعه و در روزنامه‌ها هم به این موضوع دامن زده شد، بحث رفتن به منزل شهردار تهران و بردن آن هدیه معنوی. اولاً آن هدیه که به عنوان یک میراث ملی و موزه‌ای مطرح شد، این‌گونه نیست. برادرانی که مکه مشرف شده‌اند، در امر حج سابقه دارند، در مجلس هم کم نیستند می‌دانند که هدیه کردن قطعه‌ای از پرده کعبه از سوی بسیاری از مسؤولین سعودی متناسب با ملاقاتهایی که با آنان صورت می‌گیرد، انجام می‌شود و همه‌ساله هم دو مرتبه پرده خانه کعبه با آن عظمت که تعویض می‌شود، این پرده خانه کعبه را تقطیع می‌کنند، همین‌طور من الآن نگاه می‌کنم احساس می‌کنم به برخی از برادران از این قطعه پرده کعبه هدیه شده است که اینجانب هم از این هدیه بی‌نصیب نبوده‌ام. انشاءالله که دیگران هم برخوردار بشوند، یک قطعه تبرکی است، مردم عادی هم دریافت می‌کنند. شما ببینید اول سال در شرایطی که همه خانواده‌ها سرشار از امید و شادمانی بوده‌اند، خانواده یکی از مدیران موفق کشور و خدمتگزار کشور بازداشت شده. من اصلاً وارد ماهیت قضایی پرونده شهرداری نمی‌شوم، آن بحث قضایی دارد، رسیدگی خواهد شد و همه مردم و مسؤولین تابع قانون هستند. اما مسؤولان بالاتر ایشان، یعنی جناب آقای نوری که وزیر کشور هستند و شهردار تهران هم زیر نظر ایشان است، در شرایطی که آن پرونده (اطلاع دارید همه شما و داریم که) یک پرونده معمولی نبوده است که در دادگاه مطرح شده باشد و در یک محیط آرامی رسیدگی شده باشد. به شدت بحث، بحث مطبوعات (یحیوی: مطالب ایشان ربطی به موضوع ندارد) (رئیس: اجازه بفرمایید، دقیقاً بحث وارد موضوع است، بفرمایید) خوراک

مطبوعات بود، به شدت متهم شدند، هتک حیثیت شدند و یک خانواده خدمتگزار زجرکشیده نظام از این رهگذر که قبل از صدور حکم و قبل از رسیدگیها به شدت اینها در جامعه ملکوک و آزرده خاطر شدند و حالا هم سرپرست آن خانواده، بزرگ آن خانواده در بازداشت است و قرار است به پرونده او رسیدگی بشود. آیا اگر رئیس آن دستگاه، جناب آقای نوری که علاوه بر مسؤولیت وزارت کشور، روابط عاطفی داشتند، روابط قبلی داشتند، روابط خانوادگی داشتند، آشنا با هم بودند، در یک حرکت عاطفی-اخلاقی-اسلامی در آغاز سال رفتند احوالپرسی یک خانواده، این یک حرکت غیر شرعی است، یک حرکت غیر قانونی است و باید به این جرم مثلاً محاکمه بشوند و مورد بازخواست...؟ نمی دانم.

مسألة امنیت را مطرح کردند، من حقیقتاً به عنوان یک شهروند ایرانی که مسائل را امروز شنیدم و به عنوان یک نماینده مجلس، اغراق بسیار فراوانی در مسائل امنیتی بود و تصویری از گفتار عزیزان، از ایران ما به وجود آمد که کسانی که از ایران خبر ندارند و در خارج مرزها هستند، ممکن است فکر کنند امروز ما در آستانه یک انفجار و جنگ تمام عیار داخلی هستیم. من نمی خواهم عین عبارات عزیزان را بخوانم، البته یادداشت کرده ام. تعبیر این که ایران را با این ترتیب به سمت یوگسلاوی سابق یا لبنان سوق داده می شود، تعبیر این که شرارت و امنیت و قاجاق و امثال اینها... بیداد می کند، در یک چنین بستری سرمایه گذاری میسر نیست، کار میسر نیست و تصویر به شدت ناامیدکننده و مأیوس کننده ای از کشوری ارائه دادند که مدعی هستیم با ثبات ترین کشور به لحاظ پایداری ارکان این نظام که بر دوش آحاد ملت است، ایران است، این تصویر منصفانه ای از ایران نیست و تصویر منصفانه ای هم از مدیریت کلان کشور از جمله وزارت کشور نیست. ما امروز به لحاظ امنیت در وضعیتی هستیم که کشورهای دشمن ما، کشورهای که به وسیله دشمن ما قبلاً تحریک شده بودند، جامعه اروپا و دیگران به خاطر ثبات و امنیت در این کشور، مسابقه گذاشته اند برای نزدیک شدن، مسؤولین عالیرتبه آنها دارند به ایران می آیند، اقداماتی که در ظرف ۲۰ سال گذشته نبوده در پرتو تلاش مردم و رهنمودهای مقام معظم رهبری و اقدامات دولت، اینها یکی بعد از دیگری دارد جلو می شود و امروز ایران به عنوان کانون ثبات منطقه خاورمیانه مطرح است.

امروز امریکاییها منفعیل شده اند به خاطر ثبات و اقتدار ملت ایران. انفعال دولت

امریکا در برابر فشار افکار عمومی و اقدامات امنیت گستر دولت که در یرتو مشارکت دادن مردم به وجود آمده است یک دستاورد بزرگ است. چرا شکر نعمت نکنیم؟! ما یک کشوری هستیم که دنیا می بیند بعد از همه آن ماجراها، ۳۰ میلیون نفر این مردم تجدید بیعت با انقلاب می کنند و رأی مجدد به نظام و روحانیت و اسلام می دهند و بعد از ۳۰ میلیون رأی شما آخرین مراسم حضور مردم را در صحنه دیدید، در نهمین سالگرد رحلت حضرت امام - سلام الله علیه - گویی که سال اول رحلت است. همان اشک، همان آه، همان سوز، همان گداز، همان عاطفه، همان عشق، همان شور و در این فضای وحدت بخش و مستحکم به لحاظ امنیت، کجای دنیا می توانند چنین امنیتی تأمین کنند؟ یک جمعیت دریایی میلیونی، تمام مقامات این مملکت از رهبر فرزانه انقلاب گرفته، رئیس محترم جمهور، رئیس محترم مجلس، رئیس محترم قوه قضائیه، همه ارکان نظام در آن فضا اجتماع می کنند، قوی صحبت می کنند، مواضع می گیرند، با دنیا حرف می زنند. این ناامنی است که در کشور ماست یا امنیت است؟ اصل بیست و ششم و بیست و هفتم قانون اساسی را من یادآور می شوم. برادران و خواهران! ما در اینجا به حالت اجتماع سوگند یاد کردیم روز اول که پاسدار حریم قانون اساسی باشیم. در اصل بیست و ششم و بیست و هفتم تأکید بر آزادیهای مردم می کند، تأکید بر آزادی اجتماعات، راهپیماییها بدون حمل سلاح به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد می کند.

اگر وزارت کشور شما در جهت اجرای قانون اساسی مجوزهایی صادر کرد، گروههایی هم اجتماع کردند، حالا چون هنوز این مسائل نهادینه نشده افراد و گروههای ناشناخته بی هویتی که هیچ گروه سیاسی مسؤولیت عملکرد آنها را نپذیرفته، احیاناً در جایی اخلالی ایجاد کرده اند، آیا این جای سؤال، از وزیر کشور دارد؟

جا داشت امروز از وزیر کشور سؤال کنیم چرا در جهت تحقق سایر اصول حرکت جدی نشده و از سایر وزرا، اگر قرار بر این باشد که یک اجتماعی را عده ای به هم بریزند و بعد این مستند استیضاح بشود در هر جایی ممکن است این اتفاق بیفتد. راجع به سایر وظایف وزارتخانه ها، اگر وزارت راه در جایی راهی می سازد، اشرار آمدند پل را منفجر کردند، ما باید وزیر راه را استیضاح کنیم که چرا شما پل ساختید که اشرار آن را منفجر کنند؟

خوب اجازه اجتماع قانونی داده شده، انصار حزب الله، دیگران همه اطلاعیه دادند

گفتند حمله به تجمع دانشجویان در پارک لاله، حمله به تجمع دانشجویان در جلو دانشگاه تهران و جاهای دیگر کار ما نبوده و همه محکوم کردند. شما از وزارت اطلاعات سؤال بفرمایید، البته من می‌دانم وزیر محترم اطلاعات به‌طور جدی دنبال این هستند. ببینید! عناصر مشکوکی که در راهپیمایی قانونی مردم برای اولین بار شخصی گاز اشک‌آوری می‌اندازد چه کسی است؟ آن‌را شناسایی بفرمایید. کسانی که نمی‌خواهند بگذارند چهره آزاداندیش اسلام ناب و قانون اساسی و رهبر فرزانه انقلاب ما و نظام ما به‌جهان عرضه شود، آنها را شناسایی کنید، استیضاح کنید. ما در یک شرایط امنیتی بسر می‌بریم که رهبر بزرگوار انقلاب ما چهار ساعت دانشگاه تشریف می‌برند، در یک بحث صمیمی با دانشجویان می‌نشینند صحبت می‌کنند، ایشان مشوق انجام کارهای حضور جوانان در دانشگاهها در فعالیتهای سیاسی هستند. دوسه سال پیش (یادم است) ایشان با عتاب و خطاب فرمودند، خدا لعنت کند کسی یا کسانی که بخواهند دانشگاهها غیر سیاسی باشند. ایشان همواره منادی سیاسی شدن دانشگاهها و حضور دانشجویان در صحنه بودند. حالا اگر در یک جایی اشرار آمدند، شرارت کردند که ما نباید از اصل خیر آن موضوع بگذریم. بنده از پشت این تریبون اعلام می‌کنم که به‌فضل پروردگار، ایران امن‌ترین کشور منطقه و به‌عقیده من امن‌ترین کشور جهان است، چون تکیه بر اعتقاد عامه مردم دارد. این کشور، تمامی ملت به‌استثنای انگشت‌شماری ضد انقلاب که ممکن است گوشه و کنار باشد به‌نظام پایبند هستند و از امنیت و تمامیت ارضی خودشان دفاع می‌کنند. از وزیر کشور هم ما تشکر می‌کنیم که در این باب گام برداشتند.

دو مطلبی را که خواستم به‌آن پردازم یکی بحث نصب و عزلهاست که در همه صحبتها تعبیرات بسیار تنیدی راجع به‌نصب و عزلها بود. بعضی از برادران گفتند همه را از دم تیغ جناح‌گرایی گذراندند، بعضی از برادران فرمودند، عدم شایسته‌سالاری، بعضی فرمودند، باندبازی، بعضی فرمودند از بین بردن تجارب و امثال اینها...

من آمار مفصلی تهیه کردم که احتمالاً فرصت نمی‌شود ولی اجمالاً اشاره می‌کنم. اولاً در استانداران از ۲۸ استان کشور در آغاز دولت جدید، استان تهران به‌دلیل فوت استاندار تغییر حاصل شده، استان اصفهان و آذربایجان شرقی به‌علت انتصاب استانداران محترم سابق به‌عضویت در هیأت دولت، استانهای جدیدالتأسیس قزوین و گلستان جدید بودند استاندار می‌خواستند، استاندار استان کرمان به‌سمت معاون وزیر

امور خارجه چون منصوب شده بودند، می‌بایست کسی جای او تعیین بشود، در یکی از استانها، استاندار به دلیل فقدان صلاحیت که از سوی وزارت اطلاعات اعلان شده بود می‌بایست تغییر پیدا بکند و در اینجا ما از آقای نوری تشکر می‌کنیم که به این امر قانونی توجه فوری کردند. شش نفر از استانداران که منصوب شده‌اند از استانداران دولت قبلی بودند که مجدداً از آنها استفاده شد و پنج نفر از آنها هم بنا به ضرورت در واقع جابجا شدند. هفت نفر از استانداران جدید سابقه استانداری دارند، هفت نفر از استانداران قبلاً معاون استاندار بودند که ارتقا پیدا کردند و یکی از آنان قبلاً مسئولیت وزارت معادن و فلزات، استاندار محترم که قبلاً وزیر بودند، دو تن از استانداران قبلاً سمت مدیر کلی ستادی در وزارت کشور داشتند، شش نفر از استانداران نیز قبلاً مسئولیتهای مهم اجرایی در حد معاونت وزیر داشته‌اند و از این مجموعه ۸۵/۵ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد هستند، ۳ نفر دکتری و ۱۷ نفر با مدرک کارشناسی و ۱ نفر با مدرک کمتر از کارشناسی از حیث تحصیلاتی هستند. احکام فرمانداران را فرمودند که تغییرات خیلی وسیعی بوده، من فقط یک مقایسه سریع می‌کنم. در ده‌ماهه اول وزارت برادر عزیزمان جناب آقای بشارتی وزیر سابق کشور ۲۷۰ مورد تغییر فرماندار و بخشدار داشتیم. در ده‌ماهه اول وزارت جناب آقای نوری ۲۹۷ مورد بوده که ۴۰ مورد آن فرماندار و بخشدار جدید هستند، یعنی فرماندارها و بخشدارهای جدیدی که ایجاد شده‌اند و باید نصب کنند. بنابراین تعداد تغییرات بخشداران و فرمانداران در ده‌ماهه اول مسئولیت آقای نوری کمتر از ده‌ماهه اول مسئولیت جناب آقای بشارتی بوده، به گواهی این آمار که اسامی و موارد آن ضمیمه است.

سوابق مدیریتی را در اینجا عزیزان مطرح فرمودند و تأکید کردند که آقا! تجربه‌ها از بین رفته، بومی نیستند، وزارت کشوری نیستند و علم لازم را بخشداران و فرمانداران در کار ندارند. شما عنایتی به این آمار بکنید، از میان منصوبین جدید ۱۴۳ نفر دارای سابقه فرمانداری و بخشداری هستند و ۶۷ نفر دارای سابقه مدیریت در ستاد وزارت کشور هستند، یا استاندارها یا شهردارها... به عبارت دیگر ۷۰ درصد از منصوبین جدید از پرسنل مجرب و با سابقه وزارت کشور هستند، در حالی که در ۲۲۹ مورد قبلی زمان جناب آقای بشارتی ۶۳ درصد دارای سابقه وزارت کشوری بودند. سابقه تحصیلی؛ ۷۱ درصد از منصوبین جدید دارای مدرک تحصیلی لیسانس،

فوق لیسانس و دکتری هستند، در حالی که از ۲۲۹ نفر قبلی (این مربوط به بخشداران و فرمانداران قبلی است) فقط ۵۳ نفر دارای مدرک تحصیلی لیسانس و فوق لیسانس بودند و منهای دکتری، بقیه کمتر از لیسانس بودند. این هم از حیث تحصیلات.

از لحاظ بومی بودن؛ یکی از شاخصهای انتخاب اصلح این است که بومی باشد و منطقه را بشناسد. از ۲۹۷ انتصاب، ۷۶ درصد، یعنی ۲۲۸ مورد بومی استان مربوطه هستند که از میان آنها ۴۱ درصد متولد همان شهرستان یا بخشی هستند که در آنجا مسئولیت پیدا کرده‌اند. در حالی که در گذشته ۶۳ درصد از مسئولین، بومی استان بوده‌اند و ۲۸ درصد بومی شهرستان. پس در شاخص بومی بودن هم ملاحظه می‌فرمایید آمار جلوتر از دوره قبل است.

سابقه ایثارگری؛ در دوره قبل از بین منصوبین کتونی ۳۷ درصد دارای سابقه ایثارگری هستند و در این دوره ۶۳ درصد هستند. یعنی ۳۱ نفر جانباز و دو نفر آزاده که این مجموعه ملاکهای ارزشی هستند. به لحاظ ارزشی و جبهه‌ای و به لحاظ سابقه مدیریت. لازم می‌دانم یک نکته هم اینجا عرض بکنم که بین دوم خرداد که انتخابات ریاست جمهوری بوده تا تعیین دولت جناب آقای خاتمی، از این تعداد فرمانداران و بخشداران که عرض کردم ۷۹ موردش در این فاصله نصب شده بودند. یعنی در این فاصله دوسه ماهه ۷۹ نفر از قبلیها عزل شده بودند و افراد جدیدی جایگزین آنها شده بودند! حالا من نمی‌دانم چطور این موضوع آن موقع مورد سوال واقع نشد که چرا این اقدام صورت گرفت.

در خصوص شهرداران لازم می‌دانم عرض بکنم، تعداد این شهرداران کشور ۶۸۳ نفر که ۶ شهر دارای سرپرست هستند، ۴۹۱ نفر از این شهرداران هنوز هیچ تغییری نکرده‌اند و افراد قبلی هستند، یعنی ۷۱/۹ درصد. صبح آنچنان جوی اینجا ساخته شد که گویا حتی مأمورین نظافت شهرداریها، بخشدارها و دهداریها هم عوض شده‌اند! این آماری است که بنده دارم عرض می‌کنم. تعداد ۱۲۱ نفر شهردار جدید در شهرهایی که جدید هستند نصب شده است. تعداد ۷۱ نفر هم از شهری به شهر دیگری منتقل شده‌اند. بنابراین تغییرات را با کسر نمودن این آمار ملاحظه می‌کنید کمتر از ۲۰ درصد است که من به تفکیک تمام استانها و شهرستانها، این جدول را دارم. سابقه عملکردی شهرداران و همین مسأله ملاکهای بومی بودن و ارزشی بودن اینها در شهرداران مطرح است.

رئیس: شما سه دقیقه وقت دارید.

من در خصوص مسأله امنیتی موضوع مهمی داشتم که از آن می‌گذرم، چون وقت گذشته است. نکته‌ای که مهم بود و من به خاطر آن پشت این تریبون قرار گرفتم بحث نجف‌آباد و مسائل اصفهان بود. من صبح خدمت ریاست محترم مجلس عرض کردم (البته پیشنهاد من بی‌موقع و دیر داده شده بود) اگر این امکان وجود می‌داشت، صبح قبل از جلسه علنی یا در فرصت دیگر در یک جلسه غیر رسمی علنی دوستان این موضوع مطرح می‌شد، یکی دو ساعت بحث می‌شد، حقایق بسیار مهمی برای نمایندگان محترم روشن می‌شد. حداقل حساسیت حقیر و همکاران محترم را در موضوع آقای منتظری و مسائل ایشان می‌دانید. کسانی که از دوره سوم مجلس هستند، مستحضر هستند. نطق‌های بنده، نامه‌ای را که تهیه کردیم و از آن روز تا امروز من در این خصوص موضع به‌دلیل آشنایی کامل به‌مبانی تصمیم‌گیری امام در خصوص آقای منتظری ثابت و روشن بوده و امروز هم بر همان مواضع استوار هستم. سر این قضیه اگر احساس خلافی بر آنچه تشخیص من است و تشخیص می‌دهم امام بر آن مبانی عمل کردند، حتماً بدانید مقاومت می‌کنم و به‌اندازه سر سوزن عقب نمی‌نشینم. با علم به این موضوع از مجموع صحبتها که درست است جناب آقای نوری متهم نشده‌اند، اما صحبت‌هایی که عزیزان کردند، این القا را نشان می‌داد که چون فرماندار نجف‌آباد مقلد آقای منتظری است، چون باند فاسد مهدی هاشمی در آنجا شرارت کرده‌اند و وزارت کشور برخورد نکرده، چه نشده، چه نشده... العیاذ بالله این مطلب که جناب آقای نوری یا با آنها همدست یا لااقل در برابر شرارت آنها بی‌تفاوت هستند.

من در پیشگاه خدا و این مجلس باید این شهادت را عرض کنم و از رئیس محترم مجلس هم اجازه می‌خواهم این شهادت را عرض کنم چون در جهت پاسخگویی به‌همین شبهه است، آقای نوری به‌گواهی اسناد و مدارکی که ما داریم از بانیان اولیه متلاشی کردن باند مهدی هاشمی قبل از برخورد امام بودند. اگر فرصت می‌بود و آن جلسه می‌بود من اینجا مدارک را ارائه می‌کردم و به‌یک نمونه اشاره می‌کنم. خود مهدی هاشمی فاسد و معدوم در نامه معروفی که آن زمان نوشت و کسانی که این موضوع را تعقیب کرده‌اند و می‌دانند، نامه معروف به «نامه مثلث» شد، در آن نامه اهانت‌های غیر قابل‌گذشتی را به‌مقام معظم رهبری که رئیس جمهور بودند و

به جناب آقای هاشمی رفسنجانی و مرحوم حاج احمدآقا کرد و معتقد بود این مثلث تشکیل شده، چه بکنند. آن موضوع نامه مثلث مربوط به مهدی هاشمی اینجاست. در آنجا اراجیفی گفته و معتقد است که اینها چه کردند... و اتهامات عظیمی زده، می گوید کمیته همکاری-اجرایی آن مثلث خیالی و کذایی مرکب هستند از آقایانی (اسم برده) از جمله آقای نوری، ابراهیمی و آقای هادی و چند نفر دیگر. در همان موقع اینها یک مراسمی در اصفهان برای بزرگداشت شهید محمد منتظری گذاشتند و اعلام کردند که سخنران مهدی هاشمی است. در همانجا آن مراسم را جناب آقای نوری و جناب آقای هادی (به گواهی مدارکی که هست) به هم زدند و در واقع تغییر دادند، مراسم مردمی برگزار شد به نام مجموعه نهادها و آقای دکتر هادی هم در آنجا سخنرانی کردند، البته فردا بلافاصله مهدی هاشمی علیه ایشان مدارکی جعل کرد و استناداتی داد که در تاریخ هست و من وارد آن مقوله نمی خواهم بشوم. (رئیس: وقت شما تمام شد).

جناب آقای نوری در قضیه آقای منتظری آن معضلی که پیش آمد، رابط مرحوم حاج احمدآقا و حضرت امام بودند که بروند و پیغام بیاورند، پیغام ببرند، آن نامه معروفی که نهایتاً با تدبیر و اصرار آقای نوری از آقای منتظری گرفته شد که خطاب به امام که شما به پرونده مهدی هاشمی رسیدگی کنید، ولوبلغ ما بلغ. عبارتها و جملهها مال ایشان بود و حضرت امام بعد از این که آن نامه رسید، فرمودند، من امشب در نماز آقای نوری را با نام دعا کردم، یا دعا می کنم. حالا عرض کردم، هم وقت نیست، هم ممکن است شائبه خروج از موضوع را داشته باشد، اما این شهادت تاریخی را من در خانه ملت خواستم عرض کنم. کسانی که بانی متلاشی شدن یک باند فساد بودند، خیلی ظلم است امروز متهم بشوند به مداهنه و سازش با آن باند. در اینجا نامه ای هم هست، البته فرماندار نجف آباد نوشته اند بنده مقلد حضرت امام هستم، در آن دوران که صحبت از باند مهدی هاشمی می شد بنده در جبهه (در کردستان) بودم و مجروح هم شدم و برادر دو شهید هستم و به شدت این مسائل را رد کردند.

«وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا»^۱ امیدوارم که در قیام قیامت در محضر خداوند متعال و این شهیدان بتوانم آنچه از روی درد و سوز و انجام تکلیف در اینجا عرض و ادای شهادت کردم،

جوابگوی صحت آنها باشم. با تشکر از همه همکاران محترم، حضار گرامی، استیضاح‌کنندگان محترم که آنان نیز از سر دلسوزی مطالب را مطرح فرمودند، امیدواریم این نشست و این گفت‌وگو هم به‌اصلاح (احیاناً) پاره‌ای از مشکلات که طبعاً در امور اجرایی است، بینجامد که خواهد انجامید. اثرات این استیضاح و تذکرات طبعاً این مسائل خواهد بود و انشاءالله با رأی مجدد قاطع مجلس به‌این شاگرد فرزانه امام و رکن رکن انقلاب، (که البته چون خارج از موضوع بود) جناب آقای دعایی نتوانستند آن احکام را بخوانند، بنده هم یک بغل آورده بودم از اول تا آخر بخوانم که موفق نشدم، انشاءالله مجدداً این سرباز در سنگر وزارت کشور به‌دیدهبانی و دفاع از تمامیت ارضی کشور پردازد. والسلام علیکم ورحمةالله
عده‌ای از نمایندگان: احسنت، احسنت.

رئیس: متشکر، آقایان استیضاح‌کنندگان دو نفر فرصت دارید، حداکثر هر کدام یک‌ربع، مجموعاً نیم ساعت صحبت داشته باشید و بعد هم نیم ساعت جناب آقای نوری فرصت دارند. جناب آقای کامران بفرمایید.

حسن کامران دستجردی: بسم‌الله الرحمن الرحیم

البته من از اول بنای صحبت نداشتم. متنها بحثهای اصفهان و نجف‌آباد که پیش آمد و خوب، خیلی هم گذرا رد شد و اصولاً مواردی هم که در این مدتی که بنده نماینده شدم و تا به حال به آن رسیده‌ام، برخوردار داشته و بحث بنده بیشتر براندازی است، اصلاً کاری نه به‌این دسته دارم و نه آن دسته. یعنی مواردی که بنده به آن رسیده‌ام، چون ارادت من به حاج آقا خاتمی از زمان ارشاد بوده و همان ارادت هم حفظ است، کم‌این‌که آقای دکتر حبیبی تشریف دارند، آن دفعه هم که استیضاح وزیر محترم معادن و فلزات بود و بنده صحبت کردم، عرض کردم ارادت من به حاج آقا هاشمی است و همچنان هم این ارادت وجود دارد. لذا بحثهایی که بنده دارم بحثهایی است که اولین بار در شورای اداری استان بعد از نمایندگی شرکت کردم و بعد از عید بود. وقتی من شرکت کردم، خوب، از مردم اصفهان تشکر کردم که اهل ولایت هستند، متدین هستند و بعد هم هفته‌امر به معروف و نهی از منکر... و بعد گفتم مردم نجف‌آباد آدمهای خوبی هستند، آدمهای متشرعی هستند و عرض کردم که مسائل این شهر از خارج هدایت می‌شود، دست خارجیها در کار است. دیدیم یک نفر در ته شورای اداری گفت، سیاسی شد! گفتیم بابا! ما که از خط و ربط حرف زدیم، از ولایت حرف زدیم،

کجای این سیاسی بود؟ گفتند، صلوات! گفتیم خوب، تا شب صلوات بفرستید. اشکالی ندارد! (حضار صلوات فرستادند) البته ما در آن جلسه سه تا صلوات تقاضا کردیم و آخریش را گفتیم برای طول عمر مقام معظم رهبری صلوات (حضار صلوات فرستادند)... (رئیس: اینها جزء وقتان حساب می‌شود، اگر بخواهید ده تا صلوات هم می‌فرستیم!) بعد در آن جلسه ما اصرار کردیم این چه کسی بود؟ به استاندار محترم اصفهان هم عرض کردم، در جلسه شورای اداری دوتا رئیس ندارد! لذا با سماجت ما، دیدیم فرماندار محترم فلاورجان بلند شد. خوب، ببینید! این چشم انداز شورای اداری ماست که در واقع یک فرماندار در حکومت ما خودش در شورای اداری، وقتی که ما از ولایت دفاع می‌کنیم این حرف را می‌زند! بعد پسوندش آمدیم در هفته معلم با حاج خانم شرکت کردیم که من نوارش را هم اینجا آورده‌ام. در آن جلسه خوب، هفته معلم بود، این نوارش است (هرکس هم دوست داشت می‌تواند بسیاید گوش بکند) استاندار محترم اصفهان خوب راجع به هفته معلم باید صحبت می‌کردند، ناگهان پرداختند به این که حرفهای فرمانده کل سپاه برابر با حرفهای امیرانظام به یک اندازه به امنیت کشور لطمه زده! که ما خیلی متأسف شدیم که چرا...
عده‌ای از نمایندگان: در موضوع نیست.

رئیس: آقایان! گوش بدهید، بحث استاندار و فرماندار اصفهان و نجف‌آباد است و در موضوع است، بفرمایید.

کامران دستجردی: بعد برای خود ما سؤال بود، متولی استان چرا باید این کار را بکند؟ تا این که برای راهپیمایی دفاع از ولایت، خوب در همه شهرها این کار انجام شد، بنده خودم حضور داشتم، هر چه نگاه کردم که استاندار اصفهان تشریف دارند یا نه؟ گفتند نیستند، البته گفتند ایشان تشریف بردند فرماندار گلپایگان را معرفی کنند، حضور ندارند. خوب، بافت مذهبی مردم اصفهان هم حفظ شده، حالا هم اصفهانیها حرفهای بنده را دارند گوش می‌کنند. با همه سلاتقی که دارند، یعنی این بافت مذهبی حفظ شده، حساس بودند که استاندار شهر کجاست؟ یا وقتی که آقا آن پیام را دادند و خوب، همه آمدند، یعنی فتنه را آقا خاموش کردند. یعنی به آنجا انجامید که آقا پیام دادند! و آما باید خودمان حل می‌کردیم، یعنی مسئولین امنیتی باید حل می‌کردند که به آنجا نکشد. خوب، وظیفه استاندار این است که ستادی تشکیل بدهد، این مراسم را پُربار بکند. باز بنده خودم شاهد قضیه بودم، ایشان پایان کار تشریف آوردند یعنی

زمانی که به خطبه‌های نماز جمعه وصل شده بود، در صورتی که این یک بحث امنیتی است، یک بحث ملی است و یک بحثی است که به هر حال پسوند داشته که به اینجا ختم شده.

بعد در خود شورای اداری گذرا یک تشکری از مردم و رهبری شد، اصلاً باز نشد که این بحث چیست؟! از خود حاج آقای نوری هم توقع بود که انبوه مردم اصفهان که در میدان آمده‌اند، هم به اعتبار این که خودشان اصفهانی هستند و هم به اعتبار این که وزیر محترم کشور هستند و پاسبان، سرباز و سپاه هم درست است که امنیت ایجاد می‌کند، ولی امنیت واقعی را خود مردم ایجاد می‌کنند و در این میدانی که ۱۲۰ هزار مترمربع است و مردم هم پُر بودند، گرچه بعد، بعضیها آمدند و گفتند سرباز آورده‌اند یا از اطراف آورده‌اند نه، مشخص بود، محلات اصفهان را بنده آشنا هستم و به روستاهایش هم آشنا هستم، چون محله به محله رفته‌ام و می‌دانم خود مردم شهر بودند و میدان پُر بود خوب، باید یک تشکری می‌شد. یعنی برای این پیام امنیتی که در واقع یک حلقه مهمی بود باید این کار می‌شد. اما شما می‌بینید که این نشد. زمان آقای جهانگیری خوب. ایشان استاندار بود یک مشکلاتی برای نجف‌آباد درست شد. اینها آمدند یک تدبیر کردند، گفتند آقای دکتر سعادت فرماندار بشود، دکتر سعادت هم اصفهانی نیست، کرمانی است و فعلاً هم رئیس دانشگاه آزاد است و یک مقطعی هم نماینده ارزشها بود. ایشان آمد وقتی که متولی شهر شد، اصلاً این بحثها نبود. اولین تعویض آقای موسوی استاندار، تعویض آقای دکتر سعادت بود و بعد هم یک آدم بومی آورد، حالا جانباز، اخوی دو شهید... گرچه ما در این دستگیریهای نجف‌آباد جانباز هم داریم، خانواده شهید هم داریم. اصلاً اصفهان و نجف‌آباد یک شهر پُر شهید است، یک شهر پُر جانباز و پُر آزاده است. امام - رحمه الله - فرمودند: «در کجای دنیا استانی مثل اصفهان پیدا می‌کنید؟!» اما وقتی که فرماندار محترم منصوب شدند از دو روز بعد تلکسهای ویژه فرستاده شد، (باز می‌توانید اینجا ببینید و نگاه بکنید) و در این تلکسها که تلکس ویژه هست، همیشه ایشان گفته است که شهر ملتهب است، جنگ مسلحانه می‌شود، حتی وقتی که مردم در آن جریان تیم فوتبال ابراز احساسات کردند، در این تلکس است ایشان فرمودند نه، حزن و خوف گونه‌ای است که مردم به این احساسات هم پاسخ نداده‌اند. خوب، وقتی هم که ایشان تشریف می‌آورند اصولاً افرادی می‌روند به ایشان خیر مقدم می‌گویند مثل آقای غلامعلی رستمی داماد آقای

منتظری، مثل آقای حیدرالفتاح یا این که نشستی که بستگان درجه یک و دو آقای منتظری با ایشان داشتند یا بازاریهایی که با ایشان نشست داشتند و بعد هم نتیجه این نشستها که در واقع می شود با تاریخ ذکر کرد، اولین نشست ۱۳۷۶/۸/۲۹ بوده است و بعد هم عمویشان که در بازار هستند آن دعوت را به خانه داماد آقای منتظری پیشنهاد می کنند و بعد هم در ۱۳۷۶/۹/۱ باز قرار با آقای حرّی می گذارند، بعد هم ۱۳۷۶/۹/۱۶ سر سه راه نجف آباد قرار می گذارند، بعد هم ۱۳۷۶/۹/۲۰ با آقای نادری ملاقات داشتند، بعد هم با آقای سلیمان نژاد در بازار دعوت می شوند و بعد هم با آقای نصراللهی (که حالا بازداشت شده اند) به هر حال می گوید شما در جلسه ایشارگران می روید ببینید چیست؟ مجموع اینها که زیاد است، اطلاعات ما را هم هیچ کسی نداده است؟ نه اطلاعات داده، نه سپاه داده، نه بسیج داده، منابع مردمی ما داریم. اگر آن دفعه هم در استیضاح وزیر معادن (یادتان باشد) ایشان می گفتند که اینها را اطلاعاتیها داده اند. نه! خوشبختانه مردم کف شهر که ما می رویم آن قدر می آیند اطلاعات می دهند که نمی دانیم چه کار بکنیم! لذا این هم مواردی هست که با عدد رقم وجود دارد... پس بحث سوم، ورود ایشان است. در شهر پخش می شود، جلسات گذاشته می شود. وقتی هم که جلسات گذاشته می شود، یک بار در تاریخ ۱۳۷۶/۸/۲۷ بخشی از این اطلاعاتیها و شبنامه هایی که پیش می آید... بعد می بینند در سطح شهر پخش نیست که در واقع من اینجا نمونه هایی از این اطلاعاتیهای آنها را آورده ام یعنی شبنامه هایی که پخش شده، بعد اینجا بحث می شود که چطور شده هنوز در شهر پخش نشده اما فرمانداری می نویسد یا می گوید که قرار است در عین حال این اطلاعاتی امشب پخش بشود. مثلاً یکی از آنها اطلاعاتی انالله و انا الیه راجعون است. یا این که کمکهای مالی که به مؤسسات شده مثل کمک به صندوق بقیة الله، به اتحادیه شهر و بعد هم جشنی که اینجا اشاره شد، یکسری شکایت می کنند. آنهایی که شکایت می کنند خود نجف آبادیها اینها را می شناسند و صدای من را هم گوش می کنند. خود فامیل آقای حرّی است، خود حاج محمد ایزدی است، آقای ستاری و حاج آقای مرتضوی است که اینها هم در واقع متقاضی می شوند که آقا! همین مراسمی که هست مثل جشن سد معبر است. پس پیام بعدی هم در شهر... اصولاً وقتی بسیج، سپاه، امام جمعه، دوستداران انقلاب می آیند می گویند نه، تنش می شود، معنی این کار در نجف آباد چه شد؟ معنای آن این است که یعنی مذاکره با نظام بشود. مذاکره با نظام یعنی برخورد نشود. در تشییع

جنازه شهدای نجف‌آباد باز مصوبه شورای تأمین بود که آقا! بعد از نماز جمعه تشییع بشود. خوب، اینها به ورزشگاه ریختند و چندتا جنازه را هم بردند! وقتی که اوضاع شهر دست استانداری است، دست فرمانداری است، چهارتا نگهبان نمی‌گذارند که این چهارتا جنازه را نبرند! همان نگهبانان با همان وضعیت... ما که بحث از ضریب امنیتی می‌کنیم (رئیس: سه دقیقه وقت دارید) عملکرد امنیتی و عملکرد ما طوری است که علت وجودی این بحث را از بین می‌برد. لذا شما ببینید که جنازه‌ها هم جدا تشییع می‌شود و یک شیخی در آنجا اعلام می‌کند، یادتان نرود ۲/۲۵ در میدان امام! که بعد در میدان امام هم بیایند چه کار بکنند؟ آن کنند که... آقا حساس می‌شوند در هیأت دولت هم به خود حاج آقا نوری می‌گویند، حاج آقا نوری! شما با آقای دری پا جلو بگذار! خوب، اصفهانی هستی، آن هم نجف‌آبادی هست! (حالا این را من تعبیر می‌کنم) حاج آقا قبول نمی‌کنند. بعد می‌گویند آقای جهانگیری قبول کند. آقای جهانگیری و آقای دری هم که می‌آیند مجموعه را جمع بکنند، وضعیت طوری می‌شود که مقام معظم رهبری پیام می‌دهند. خوب، ببینید! شکل امنیتی و اندازه امنیتی به گونه‌ای است که رهبری وارد می‌شود! ما هم یک طبقه‌بندی امنیتی نداریم! اصولاً طبقه‌بندی امنیتی چگونه ایجاد می‌شود؟ من مثال ساده‌ای بزنم. فرض کنید اگر فرماندار ما در ابوموسی ناشیگری کند، تنش منطقه‌ای می‌شود. یک فرماندار! بله، تنش، منطقه‌ای می‌شود! شما می‌بینید مجموعه جریانات اصفهان و نجف‌آباد که به هم قفل شده و به هم مربوط است، براندازی به گونه‌ای می‌شود که رهبری وارد می‌شوند و بعد هم ما می‌آییم راحت از آن می‌گذریم.

ای کاش یک جلسه غیر علنی باشد چه حاج آقا رأی بیاورند و چه نیاورند، بحث آن جداست که ما در جلسه غیر علنی بعضی چیزها را پوست‌کننده بگوییم، بدون تعارف بگوییم. بالاخره فرض کنید همین کتابی که سپاه چاپ کرده و مذاکرات مهدی هاشمی را در آن آورده (یعنی بازجویی‌هایش) بالاخره بعد دوستانش را معرفی می‌کند، می‌گوید مجموعه ما این طور بود، به گوش آقای منتظری می‌رساندیم. مثلاً راهکارهای ما این بود، یا مثلاً بگوییم این کتابها را در کشور جمع‌آوری بکنند یا این که بگوییم نه، بسیار خوب است. از طرفی راجع به اطلاعات هم گفته‌اند نظرش را گاهی داده است. گفته است، فرماندار نجف‌آباد ناتوان است و سابقه وی در دفاع از آقای منتظری هست، بافت مدیریتی ناسالمی که بعد از آمدن فرماندار شکل گرفته است (می‌گویند

این را گویا اطلاعات به وزارت کشور رسماً نوشته است) (رئیس: وقت حضر تعالی هم تمام شد) قدرت گرفتن هواداران آقای منتظری در نجف آباد و دلیل... فرماندار، عدم حضور مسئولین بلندپایه استان هنگام بحراناها در محل مأموریت، عدم برخورد با عناصر محرک مؤثر در ایجاد تحصن و اعتصاب از سوی آن و بعد هم در شورای امنیت ملی، ولو این که ابلاغ نشده، بحث شده، اطلاعات اصفهان را خواستند، وزیر اطلاعات را... خودتان بحث کرده‌اید، گفتید بابا! حداقلش این بومی است! جایی دیگر ببرید. گرچه ما از این بومی مسأله داریم. بنده یک مورد ریزی اینجا دارم همه هم مستند است (رئیس: وقتان گذشت) که می‌تواند این را به ما بگوید که یک مقداری نسبت به مسائل عمق و وسع بیشتری بدهیم، یک نگاه دیگری بکنیم. آن طور هم مطرح نکنیم که نه، مسائل دیگری است. به هر حال من عذرخواهی می‌کنم. مجدداً از دولت خدمتگزار بویژه حضرت ریاست جمهور تشکر می‌کنم. و صل الله علی محمد و آل محمد (حضر صلوات فرستادند).

رئیس: متشکر، جناب آقای باهنر حداکثر یک ربع وقت دارید، بفرمایید.

محمدرضا باهنر: بسم الله الرحمن الرحيم

من ابتدا به بعضی از مباحثی که مطرح شد مجدداً اشاره‌ای می‌کنم و نهایتاً هم انشاء الله جمع‌بندی از مجموعه بحثهایی که استیضاح‌کنندگان محترم داشتند بکنم. ببینید! ما در مورد شهرداری... برادر عزیزی که صحبت کردند، تأکید کردند که ما اصلاً وارد این مقوله که جرمی اتفاق افتاده، نیفتاده، ایشان متهم است، نیست، مجرم است، نیست، وارد این بحث نمی‌شویم. برادر عزیزمان تصویر کردند که آقایان آمدند و این مقوله را از راه ایجاد التهاب و تشنج حل کرده‌اند. یعنی جناب آقای نوری، صبح می‌فرمایند که من نمی‌دانم این حرفهایی که می‌گویند من زدم یا نزدم! خوب، من نمی‌دانم واقعاً روابط عمومی وزارت کشوری وجود ندارد، این صحبتها را جمع نمی‌کند، تیر روزنامه‌ها نمی‌آورد، اگر مسأله مهمی بود و خلاف بود، موظف نیست تکذیب بکند، چگونه است؟ روزنامه جامعه ۱۸ فروردین ۱۳۷۷ می‌گوید که من نمی‌توانم مراتب تردید خود را از کفایت و صلاحیت دست‌اندرکاران این پرونده ابراز کنم.

فرض کنید که ایشان اصلاً این اعتقاد را هم داشته باشند. در جایگاه وزارت کشور مصاحبه و صحبت بکنند و زیر علامت سؤال ببرند یا این که می‌گویند که رادیوهای

خارجی خیلی حرفها را می‌زنند، خوب ما حرفی نداریم! خبرگزاری رویتر موقعی که ایشان مصاحبه کرده‌اند لید خبر و رأس خبرش این بود که وزیر کشور امروز در یک مورد نادر، عالی‌ترین رده قضایی کشور را به‌یاد حمله گرفت. خوب، متن صحبت هم هست، روزنامه‌های ایران هم گفتند، مردم هم از رسانه‌های داخل دیدند، از تلویزیون دیدند، از روزنامه‌ها خواندند. ما فرض می‌گذاریم این که ایشان به این نتیجه رسیده‌اند که آقای شهردار خلاف حق بازداشت شده‌اند، ما می‌گوییم در این جایگاه راه قانونمداری و قانونی زندگی کردن و قانونی کار کردن این است؟ برویم مصاحبه کنیم، صحبت بکنیم، ستاد تشکیل بدهیم، راهپیمایی، تشنج، نمایشگاه، چیزهای دیگر و این حرفها... که مثلاً آقای شهردار آزاد بشود خوب، راههای دیگری هم هست. واقعاً راه قانونی دارد، بگردید راه قانونی را پیدا کنید. یک موقع است که رئیس یک گروه سیاسی است، می‌خواهد نباید صحبت بکند، میتینگ بگذارد، سخنرانی بگذارد. خوب حالا آن یک بحث دیگر است. اما وزیر کشور که مسؤول امنیت کشور است، براساس استراتژی «فشار بیاور، چانه بزن و به نتیجه برس» اقدام می‌کند. بحث ما این است، و آلا بحث این که حالا آقای شهردار مجرم است یا نیست، دادگاه خودش این را قضاوت می‌کند.

آقای نوری فرمودند که، صبح ما شهردار را معلق کردیم! خوب، آقای شهردار را هم ملت در دادگاه دیدند که از ایشان سؤال شد، شما آیا معلق شده‌اید یا نه؟ گفت من خبر ندارم. بالاخره یک حکمی که در مورد کسی صادر می‌شود اولین روش اداری این است که به‌خودش ابلاغ می‌شود. بالاخره یا ایشان واقعاً خبر نداشت، محرمانه عزلش کردند که کسی خبردار نشود یا این که اگر عزل شده و این حکم اجرا شده، قاعدتاً در رسانه‌ها می‌آید و چیزهای دیگر.

و بالاخره بحث این است که ایشان در صحبت‌های متعددشان اعلام کردند که آقا! قوه قضائیه موقعیت ندارد، مردم طرفدار قوه قضائیه نیستند، اگر رأی‌گیری بکنیم این طور می‌شود، اگر نکنیم این طور می‌شود! واقع قضیه، قوه قضائیه آقای یزدی و فلان آقای رئیس دادگستری و فلان قاضی نیست. قوه قضائیه پناهگاه و ملجأ مردم است. یک مقام عالی‌رتبه قوه مجریه بیاید و به مردم بگوید آقا! به این قوه قضائیه شما امید نداشته باشید، ما می‌گوییم این حرکات تشنج‌آمیز و التهاب‌آور است. و آلا آدم می‌تواند نظر داشته باشد، می‌تواند راههای قانونی را برود و پیگیری بکند، بحث ما این مقوله‌هاست.

یا در مورد امنیت شهرها، ایشان فرمودند «ما که بحثی نداریم»، ما هم اینجا داریم، حالا دیگر این بولتنهای وزارت اطلاعات است، عزیزان می‌توانند بیایند نگاه بکنند و آماری را که جناب آقای نوری خواندند، از بولتنهای وزارت اطلاعات است. حالا اگر ستاد امنیتی وزارت کشور گفته نخیر، امسال وضع خیلی بهتر از سال گذشته شده، من نمی‌دانم! من حداقل در جیرفت، کهنوج، کرمان، ایرانشهر و آنجاها را خبر دارم که ظرف سه سال با کمک نیروهای انتظامی و لشکر تارالله کرمان و منطقه جنوب شرقی کشور، ظرف سه سال آنجا را پاکسازی کرده‌اند، بسیاری از اشرار آمدند یا پناهنده شدند، امان‌نامه گرفتند یا کشته شدند یا فرار کردند و منطقه امن شد. خوب بروید از مردم منطقه پیرسید، منطقه امن شد. این که جناب آقای نوری تحلیل می‌کنند که آقا! بیکاری، اشتغال، بازارهای مرزی، طالبان و چیزهای دیگر و این حرفها، اینها که امسال اتفاق نیفتاده؟! بحث ما این است که آمار و ارقام ناامنیها در سطح کشور بالا رفته، عدد و رقمش را هم داریم، جدولهایش را داریم، دیاگرامهایش را داریم، هر کس می‌خواهد بیاید ببیند. اگر وزارت کشور بعضاً خبر ندارد یا خبر به آن نمی‌رسد یا با نیروی انتظامی قهر است و خلاصه اطلاعات همدیگر را نمی‌توانند خوب پردازش و رد و بدل بکنند، آن یک بحث دیگر است. اطلاعات مجموعاً این است که ناامنی زیاد است.

جناب آقای نوری می‌فرمایند نه، الحمدلله همه چیز امن و امان است، مشکلی هم نداریم و اگر یکسری مشکل است به خاطر بیکاری، بازارهای مرزی، طالبان، کردستان و چیزهای دیگر و این حرفهاست. خوب، این اتفاقات از ۲۰ سال گذشته تا به حال نیفتاده؟ آمار و ارقام این مسائل مخصوصاً در استانهای جنوب شرقی کشور به شدت ظرف امسال بالا رفته، البته ما عدد و رقم اعلام نکردیم، ولی بعضی از درصدها را که اعلام کردیم بیشتر منابعش اطلاعات است.

نکته بعدی که در رابطه با بعضی از استعلامها، ایشان فرمودند ما استعلام کردیم و عمل کردیم. شاید نامه‌اش اخیراً خدمتشان رسیده باشد در طی استعلام مجددشان از وزارت اطلاعات، وزارت اطلاعات اعلام کرده نه آقا! در مورد استانداران هیچ استعلامی از ما کتبی نشده است. شفاهی هم که استعلام شده در مورد ۱۰ نفر سؤال شده، ۲ نفر را قطعاً ما گفتیم منفی است و مصلحت نیست اینها مسؤول بشوند و ۱۸ نفر دیگر را اصولاً سؤال نکرده‌اند نه شفاهی، نه کتبی! این نامه‌ای است که وزارت

اطلاعات برای آقای وزیر کشور فرستاده و انشاءالله که دستشان رسیده. نکته بعدی، بحث این که آدم پشت تریبون بیاید و بگوید آقا! من نمی دانم این حرفها چیست، من خبر ندارم و یک چیزهایی می گویند و از این حرفها، خوب، واقع قضیه پاسخ دادن به مسائل... اینها را که دیگر روشن است. ما در متن استیضاح مان روشن نوشته بودیم. «عدم استعلام از وزارت اطلاعات» خوب بود جناب آقای وزیر کشور می آمدند و می گفتند آقا! این نامه، این شماره، این تاریخ، این بحث، ما این کارها را کرده ایم. ما می گویم این نامه را وزارت اطلاعات چند روز قبل فرستاده که آقا! این استعلامها را نکردید! یا مثلاً در رابطه با همین جریان نجف آباد، اولاً کمیسیون مربوطه در شورای امنیت بارها و بارها گفته اند که آقا! ادامه وضعیت موجود خوب نیست. وزارت اطلاعات رسماً نوشته فرماندار نجف آباد ناتوان است و تنها راه حل مشکل نجف آباد دوتا شرط دارد: یکی این که مدیریت سیاسی یعنی فرماندار نجف آباد زود تغییر بکند، مدیریتهای دیگری که از قبل ایشان منصوب شده اند تغییر پیدا بکند و نهایتاً این که در آنجا با عوامل تحریک که تعدادشان هم خیلی محدود هستند برخورد تند بشود. این بالاخره نظر مقامات امنیتی کشور است، در کمیسیون سیاسی-امنیتی شورای امنیت هم بحث شده و قاعدتاً به بعضی از اینها باید عمل می شد و می شد اینجا استناد کرد که ما به این بحثها مثلاً عمل کردیم.

در رابطه با عزل و نصبها؛ سؤال کردند، جناب آقای انصاری بحث مفصلی کردند که منصوبین مثلاً ۱۵ درصد، ۳۰ درصد (من دقت نکردم) جانباز یا ایثارگر هستند، خوب بود که معزولین را هم می گفتند! ما فقط بحثمان همین جاست که معزولین چند درصدشان این طور بودند؟ منصوبین چند درصدشان این طور بودند؟ ما می گویم آقا! استاندار محترم سیستان و بلوچستان که من خدمتشان نرسیدم، برادر بسیار خوب، متدین و انشاءالله مدیر قوی اجرایی! ایشان یک روز در وزارت کشور نبوده، حالا استان سیستان و بلوچستان را با همان تعاریفی که آقای نوری فرمودند، آنجا مشکل طالبان را داریم، مرز را داریم، قاچاق را داریم، چیزهای دیگر را داریم، جناب آقای استانداری که یک روز در وزارت کشور نبوده می خواهد آنجا برود و مشکلات سیاسی، اقتصادی، امنیتی، قاچاق مواد مخدر، افغانه و... و... همه اینها را حل بکند، بحث ما اینجاهاست. یا در رابطه با همان بحث توسعه سیاسی و چیزهای دیگر، واقع قضیه بحث ما این است. حالا یک وزیر عوض بشود... من خودم در سخنرانی و

بحث در رابطه با رأی اعتماد گفتم که رئیس جمهور قطعاً باید وزرایی را انتخاب بکند که هم‌نگرش با خودش باشد، این حق طبیعی است. اما واقعاً پُستهای سیاسی مملکت هزار و هشتصد و خُرده‌ای است؟ یعنی دهمدار، بخشدار و... و...

برادران پیشنهاد کرده بودند که قبل از استیضاح بیاییم ما مذاکره کنیم، گفتیم آقا! اگر الآن ما بخواهیم مذاکره بکنیم، فقط در مورد سرایدارها و مثلاً کارمندان کارگزینی در ادارات فرمانداری و اینها می‌توانیم مذاکره بکنیم! بقیه که رفته‌اند، چیزی ته آن نمانده است! این بحثها، این مباحث را جلو می‌آورد و طبیعی است که باید یک مقدار عزیزان دقت بکنند و اگر عزیزان هم رقمی دارند، آماری دارند، بحثی و صحبتی دارند...

یک نکته‌ای را که جناب آقای نوری بسیار روی آن تأکید داشتند، بحث بسیار مهمی هم هست و واقع قضیه باید در این مملکت باز بشود (رئیس: شما چهار دقیقه وقت دارید) مسأله توسعه سیاسی است. بحث توسعه سیاسی، بحث آزادیها، بحث این‌که مخالفین بیایند حرفهایشان را بزنند، این بحثها واقع قضیه نشاط سیاسی ایجاد می‌کند، شادابی به وجود می‌آورد، تحرک ایجاد می‌کند و مردم احساس می‌کنند در سرنوشت خودشان دخیل هستند، در حاکمیت دخیل هستند، جزو تصمیم‌سازان مملکت هستند، اینها بحثهای خوبی است و واقع قضیه تحفه‌های خوبی است که مقدار زیادی از این تحفه‌ها را من قبول دارم. یعنی واقعاً بعد از روی کار آمدن جناب آقای خاتمی رئیس جمهور محترم بحثهای نویی در جامعه مطرح شد و خیلی از این بحثها هم واقعاً بحثهای خوبی است و باید استقبال شود و این فضا باز بشود. اما ببینید! بحث و صحبتی که ما داریم، می‌گوییم آقا! اولاً توسعه سیاسی یک مقداری بر عهده وزارت کشور است، یک مقداری بر عهده وزارتخانه‌های فرهنگی است و چیزهای دیگر... اما در توسعه سیاسی حداقل ما سه تا توقع داریم. این تعریف علمی آن است، قانونی آن است، عرفی آن است که اولاً مردم درکشان از توسعه سیاسی نظام بالا برود، تولای مردم نسبت به نظام بالا برود. یعنی اگر حکومت رو به توسعه سیاسی می‌رود باید تولای مردم را نسبت به نظام بالا ببرد. و مسأله سوم هم این است که مشارکتهای مردم را باید در صحنه‌های سیاسی بالا ببرد. خیلی خوب، یک انتخابات آقایان برگزار کردند. (یعنی کلاً وزارت کشور) انتخابات میان‌دوره‌ای تهران، نسبت شرکت‌کنندگان را هم دیدیم، متأسفانه خیلی بد بود، خیلی کم بود. آقایان آمدند از قبل هم گفتند، بعد

آن هم گفتند آقایان! اصل قضیه‌اش نظارت استصوابی است. نظارت استصوابی مگر در مجلس پنجم نبود؟ ۲۵ میلیون نفر مگر پای صندوقهای رأی با نظارت استصوابی نرفتند؟ من اصلاً وارد بحث نظارت استصوابی نمی‌خواهم بشوم، مگر نظارت استصوابی زمان انتخابات ریاست جمهوری نبود؟ مگر ۳۰ میلیون نفر وارد انتخابات نشدند؟

بحث این است که آیا با تبلیغات و چیزهایی... بله می‌شود، معاون وزیر کشور بگوید آقا! این استصوابی چیز خیلی بدی است، وزیر کشور هم بگوید چیز خیلی بدی است، دیگران هم بگویند چیز خیلی بدی است، بعد هم می‌خواهید مردم بیایند پای صندوقهای رأی در انتخابات شرکت بکنند؟ خوب معلوم بود در تهران ۴ میلیون نفری، نمی‌دانم یادم نیست ۲۰۰ هزار نفر مثلاً می‌آیند شرکت می‌کنند. بحث این است که توسعه سیاسی چیست؟ واقعاً این تظاهراتی که بعضاً انجام می‌شود، اینها مشروعیت نظام را بالا می‌برد یا مشروعیت نظام را زیر علامت سؤال می‌برد؟ همان گروهی که جلو دانشگاه تهران مجوز گرفتند، آمدند همسو شدند با رادیوهای خارجی و گفتند مهمترین چالش این مملکت این است که باید انتخابات رهبری با رأی مستقیم باشد، بعد هم شعار دادند، راهپیمایی کردند، همانها ۱۵ روز، یک ماه بعد از آن در پارک لاله دوباره مجوز گرفتند! خوب اگر قرار است مجوز بدهیم که یک‌عده بیایند به‌زیر پوشش دروغین حمایت از دولت، بگویند مرگ بر مجلس، مرگ بر قوه قضائیه، یک‌عده هم بیایند زیر پوشش دروغین حمایت از مجلس بگویند مرگ بر دولت، مرگ بر قوه قضائیه، خوب توسعه سیاسی این است؟ اگر توسعه سیاسی این است که من فکر می‌کنم با این وضعیت معلوم نیست سنگ روی سنگ بند بشود و موضوع حل بشود. و آخرین نکته، در رابطه با سؤالات نمایندگان هم که حالا بحثهای مفصلی بود، یک نفر سؤال کرده در مجلس، در کمیسیون رفته، خیلی خوب این بحث رفته در روزنامه‌ها، بالاخره نماینده‌ها می‌روند مصاحبه می‌کنند و صحبت می‌کنند، خیلی مسائل هم این روزها در روزنامه‌ها می‌رود دیگر! (دیدید که گفت وگویی محرمانه مثلاً فرمانده سپاه هم می‌آید در روزنامه‌ها، صاحب روزنامه هم می‌گوید ما از هر جا بتوانیم خبر درمی‌آوریم. حالا من نمی‌دانم قانون آن چیست، مقررات آن چیست، آن یک بحث دیگر است) اما بعد از این، سه نماینده دیگر سؤال کردند، جناب آقای نوری می‌گویند من در کمیسیون نمی‌آیم و بعد هم صحبت حضرت امام را می‌خوانند که آقا

باید ببینیم این می‌خواهد نقد بکند یا می‌خواهد انتقامجویی بکند. چون آقای نوری تشخیص دادند که سه نفر بعدی می‌خواهند انتقامجویی بکنند، بنابراین گفتند ما مجلس نمی‌آییم.

اگر استنادتان به صحبت امام این است، این طوری می‌خواهید بهره‌برداری بکنید، اما من می‌خواهم بگویم من باهتر بد، دو نفر از همکاران دیگر من هم می‌خواهند انتقام‌کشی بکنند. شما که نمی‌توانید به جرم من، ۵ نفر نماینده بعدی را هم که می‌خواهند سؤال بکنند... (رئیس: وقت شما تمام شد، حالا یک دقیقه هم چون به بقیه دادیم به شما هم می‌دهیم) نهایتاً بحثمان این است که توسعه سیاسی که آقایان می‌فرمایند، باید در جهت تحکیم مبانی نظام باشد، هرج و مرج ایجاد نکند. اگر خشونت‌فی فکری می‌کنید در جامعه ایجاد می‌شود، باید با قدرت قهریه، با خشونت برخورد بشود. این که هر روز بیایند بگویند آقا آنها را زدند، آنها را زخمی کردند، بعد هم بگویند ما نمی‌دانیم چه هستند، دیگران بروند بگیرند. می‌گوییم خوب آقای وزارت کشور! شما که مجوز دادید، امنیت اینها را هم برقرار کن. می‌گویند آقا! یک عده اهل خشونت هستند، خوب آنها که اهل خشونت هستند چه کسانی هستند؟ بگیرید آنها را، ۴ نفر آنها را دادگاهی بکنید. دوتا دادگاه علنی بگذارید، معرفی بکنید به قوه قضائیه که آقا اینها آمده‌اند خشونت کرده‌اند ما هم معرفی کردیم و عمل نشده. و نهایتاً این جمله را من عرض کنم خدمتان که اگر قرار باشد این آزادیها و این بحثها به اینجا کشیده بشود، مخالفتها بیاید به درون حاکمیت، وزیر کشور علیه قوه قضائیه، قوه قضائیه علیه دیگری، آن علیه دیگری، اینها برخورد افکار نیست! حاکمیت در درون خودش که نباید دعوا داشته باشد، اختلاف داشته باشد و بله به اینجا هم می‌رسد. رسانه‌ها همین ظرف سه چهار روز گذشته نمایندگان مجلس را، آنهایی که استیضاح می‌کردند را منافق خوانده‌اند گفتند اینها ظهور نفاق است، گفتند اینها کودن هستند، گفتند اینها مغزشان تر است و همه این حرفها را به نماینده‌های مجلس زدند که حالا از یک حق قانونی استیضاح خودشان صحبت بکنند. ما می‌گوییم این جو، جوئی نیست که این کشتی را به یک پایگاه امن رهنمون باشد. این درگیریها، این توسعه سیاسی بی‌حساب و کتابی که تازه توسعه سیاسی نیست، توسعه هرج و مرج است، این زیربناهای حکومت را سست می‌کند و مشکل ایجاد می‌کند و واقع قضیه تغییر یک وزیر قطعاً یک دولت مقتدر را نمی‌تواند تحت الشعاع قرار بدهد.

آقایان ۲۴ استاندار، ۳۰ استاندار عوض کردند هیچ‌طور نشد، حالا در ۳۰ وزیر یک وزیر مثلاً عوض بشود، قاعدتاً معلوم نیست مشکلی پیش بیاید. دولت بحمدالله مقتدر است و ما هم بعد از رأی عدم اعتماد به‌ایشان، در مورد یک وزیر خوب کشوری که انشاءالله معرفی خواهند کرد به توافق می‌رسیم و انشاءالله رأی قاطعی به‌وزیر جانشین خواهیم داد. والسلام (عده‌ای از نمایندگان: احسنت، احسنت)

رئیس: متشکر، آقای نوری بفرمایید. شما نیم ساعت وقت دارید.

عبدالله نوری (وزیر کشور): بسم‌الله الرحمن الرحيم
 اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ (حضار صلوات فرستادند) «وَسَدِّدْنِي لِأَنْ
 أُعَارِضَ مَنْ عَشَّنِي بِالتُّضِيعِ وَ أَجْزِي مَنْ هَجَرَنِي بِالْبِرِّ وَ أُثِيبَ مَنْ حَرَمَنِي بِالتَّبَدُّلِ وَ أَكْفِي
 مَنْ قَطَعَنِي بِالصِّلَةِ وَ أَخَالِفَ مَنْ اغْتَابَنِي إِلَى حُسْنِ الذِّكْرِ وَ أَنْ أَشْكُرَ الْحَسَنَةَ وَ أُغْضِيَ
 عَنِ السَّيِّئَةِ»^۱

خوب بحمدالله بحثهای خوب و زیادی شد و در طول این چند ساعت نکات مختلف و متعددی مطرح شد. من باز از این فرصت استفاده می‌کنم و این جمله را خدمت عزیزان استيضاح‌کننده مطرح می‌کنم که حداقل جا داشت مطالبی که در اینجا مطرح شد یک بار از وزارت کشور سؤال می‌شد که آیا این‌گونه بوده یا نبوده، آیا این‌طور عمل شده یا آن‌طور عمل شده، و از یک تریبون آزاد در آخرین لحظات بحث استيضاح نسبت به افراد مختلف، مسائل مختلفی گفته بشود و جمع‌بندی هم بشود.

یک نکته‌ای در صحبت یکی از استيضاح‌کنندگان محترم صبح بود و الآن هم جناب آقای باهنر این را به شکل دیگری تکرار فرمودند، من خواهش می‌کنم این موضوع را روشن کنید چون به نظر من این اهانت به هر دو طرف است، نه تنها برای دولت، بلکه برای نمایندگان، فرق نمی‌کند. صبح در صحبت یکی از نمایندگان محترم مطرح شد که جناب آقای مدرسی می‌گفتند بیاید با هم صحبت کنیم ببینیم چه کسی را باید عوض کنیم، چه کار کنیم. ایشان هم الآن گفتند که پیشنهاد مذاکره کرده‌اند. سندهای آن هم مشخص نیست چه هست، مثل بقیه سندهایی است که اینجا مطرح شد، مشخص نیست چه کسی با چه کسی خواسته مذاکره بکند. حالا یک‌دفعه اینجا از تریبون مطرح می‌شود که این‌طور وانمود بشود که ما مثلاً پشت این قضیه دنبال این

۱. صحیفه سجادیه، دعای بیستم.

هستیم که مشکلی حل بشود که مثلاً من بعانم یا کسی بعاند. فکر می‌کنم عزیزان خودشان به وجدان خودشان که مراجعه کنند براحتی به این نتیجه می‌رسند که من اهل معامله نیستم و در این راستا اشتباه می‌کنند و اگر کسی هم این مطلب را گفته که من مطمئن هستم که این حرفها، حرفهایی است که به درد همین نیم ساعت می‌خورد بعداً هم اگر بعد از رأی کسی مراجعه کرد می‌گویند خوب نمی‌دانیم سند آن چه بود و که بود و قضیه تمام می‌شود. از آن فقط برای نیم ساعت می‌شود بهره‌برداری کرد.

کما این که در رابطه با جریاناتی که در ارتباط با استانداران گفته شد، حالا مثلاً مثال زدند استاندار فعلی سیستان و بلوچستان ایشان در وزارت کشور، چقدر سابقه داشته است؟ خوب استاندار قبلی سیستان و بلوچستان جناب آقای حجتی که ظاهراً اینجا نشسته‌اند و مورد تأیید و تشویق و تکریم تمام مسؤولین عالیرتبه کشور قرار گرفته‌اند در دوره مسؤولیتشان در سیستان و بلوچستان، چه مسؤولیت قبلی در وزارت کشور داشته‌اند؟! این طوری که نمی‌شود مسائل را جمع‌بندی کرد مثلاً با یک مثال این طوری! تازه حالا اگر شخص دیگری بود ولو صفر کیلومتر بود ولی بعضی از نقطه‌نظراتی که شاید بعضی اعتقاد دارند را عمل می‌کرد، آن وقت مشکلتش حل می‌شد؟

در ارتباط با بحث جریانات اصفهان که الآن اینجا مطرح شد، من دوباره خدمتان عرض می‌کنم، بعداً هم آمادگی دارم در کل ببینید واقعاً خیلی دور از انصاف است که در یک چنین مباحثی ذهنیتی برای مردم عزیز ما و یا نمایندگان محترم در ارتباط با اشخاصی که شاید خیلی راحت نشود این نسبتها را به آنها داد، بخواهد به وجود بیاید. صحبتهایی را برادرمان اینجا مطرح کردند که گفتند البته سندهای آنرا بخواهید یا آمارهای آنرا بخواهید یا تاریخ آنرا بخواهید یا نمی‌دانم مستندات آنرا بخواهید، همه را می‌توانیم ارائه بدهیم، یک جلسه‌ای بگذارید ارائه بدهیم؟ خیلی خوب من هم همین ادعا را می‌کنم، حتماً یک جلسه‌ای بگذارید تا ارائه بدهیم. شروع کردند آمار، برای همین که ذهنیتها را روی آن بتوانند تأثیر بگذارند ۸/۲۹، ۹/۱، ۹/۱۶، ۹/۲۰، انتصاب ایشان، ملاقاتش با چه کسی، چه... حالا اصلاً اینها برای چه گفته می‌شود؟ حالا چه از آن می‌خواهد نتیجه‌گیری بشود؟ یعنی که مثلاً فرض بشود که نمایندگان محترم با همین چهار تاریخ که گفته شد فوراً یک جمع‌بندی می‌کنند که لابد پس یک جریان عجیبی در دستگاه مثلاً استانداری اصفهان یا فرمانداری نجف‌آباد وجود دارد.

اگر واقعاً برادر عزیز! شما اطلاعی داشتید، فکر نمی‌کنم با من مشکل داشتید، خوب می‌آمدید به من می‌گفتید. همین امروز می‌گفتید، دیروز می‌گفتید، خوب چرا اینها را از تریبون مجلس آمدید می‌خوانید؟ می‌آمدید می‌گفتید که یک چنین آمار و وجود دارد، یک چنین اطلاعاتی من دارم که این اطلاعات را دیگران ندارند و بعداً هم این که یسرعمویش این طور، دخترعمویش این طور، کجایش این طور، خوب آقای فرمانداری که الآن نیست! من الآن هم باز اینجا تکرار می‌کنم من هیچ دفاعی نمی‌خواهم بکنم که مثلاً یک فرماندار مشخص حتماً صد درصد کارهایش مورد تأیید است. شهادت این را هم دارم که اگر تخلف داشته، نه عزلش بکنم، او را به دادگاه بفرستم. اصلاً این چه بحثی است که گفته می‌شود؟ مشخص بشود که این تخلف را داشته، با او برخورد بشود! ولی نه این که با هو، با جنجال، با جو سازی بخواهیم همه چیز را در اختیار بگیریم، این که نمی‌شود!

ببینید! این بحثهایی که در این جلسه مطرح شد، مجموعه اسناد آنرا من خدمتان صبح هم گفتم، اینجا هست، نظریه اطلاعات هست، تشکر اطلاعات از... یا این که تعبیری که مثلاً اقداماتی که توسط فرماندار و ریاست آموزش و پرورش انجام شده کار خوبی است. ببینید! چه کسی این را گفته، اینها گزارشات اطلاعات است که به ما داده شده یا راجع به استانداری، باز آمده‌اند در صحبت‌های مختلف، من باید در این شب از جناب آقای استاندار تشکر بکنم و قاطعیت ایشان باعث اقتدار نظام و عزت نظام گردیده، یا همین بحثی که صبح مطرح فرمودند که در یکی از اسناد استیضاح، یکی از بندهای استیضاح مطرح شده که شورای عالی امنیت ملی مصوبه داشته، صبح که ما گفتیم که آقا! اگر مصوبه‌اش هست بیاورید، خود شورای عالی امنیت ملی تکذیب کرده! حالا گفتند اطلاعات یک چیزی گفته، آخر این طور که درست نیست، یعنی ببینید اینها به ضرر چه کسی است؟ من نمی‌دانم، خوب اگر واقعاً حرف مستند است خوب روی همان بایستید، اگر هم مستند نیست چرا یک دفعه بعد از دو ساعت یک دفعه می‌گویید اطلاعات گفته؟ حالا ما بگوییم کجاست گزارش اطلاعات؟ خوب همین کافی است برای این که یک جلسه دیگر عقب بیفتد، بگوییم خوب قضیه تمام، دیگر تمام شده است. من صبح اشاره کردم باز هم تکرار می‌کنم که در رابطه با جریانات اصفهان، عزیزان! اگر بنا باشد این طور با افراد برخورد کنیم، چیزی نمی‌ماند! یک چوب دیگر لازم است! یعنی اگر بنا باشد شما با کسانی که از دوران مبارزه و

انقلاب با امام بودند و همه اینها را می‌شناسند، این طور بخواهید عمل کنید چیزی ته آن نمی‌ماند! بعد بیایید بگویید یک کتابی نوشته‌اند، یک جمله گفته‌اند، کجا یک ما شنیدیم یک چنین مطلبی را گفتند، کجا یک رفتیم یک چنین چیزی را می‌گفتند، اطلاعات ما هم اطلاعات مردمی، این هم جمله قشنگی شد یعنی هر چیزی قرار باشد سند نداشته باشد می‌گوییم اطلاعات مردمی است. این هم خودش یک شیوه جدیدی است، به جای این که بگوییم فلان مطلب مستند وزارتخانه فلان، می‌گوییم اطلاعات مردمی، یعنی چه؟ یعنی حالا پس سندش کجاست؟ می‌گوییم دیگر نمی‌دانیم، مردم به ما گفتند. خوب ریاست محترم جمهور که آمدند در همین مسائل امنیتی تشکر کردند و در نظرشان راجع به استانداری گفتند: «بحمدالله استاندار فاضل و محترم اصفهان چه به عنوان مدیر ارشد اجرایی و چه در سمت رئیس شورای تأمین استان تدبیر و توانایی خود را به خوبی نشان داده‌اند» این برای شما اعتبار ندارد؟ رئیس جمهور مملکت دارد نظر می‌دهد، یعنی العیاذ بالله ایشان هم دنبال یک چیز دیگر است؟ خوب پس اصلاً چیست؟ یا دبیر شورای عالی امنیت ملی که آمده نظر داده و از اقدامات قاطعانه رئیس شورای تأمین استان تشکر کرده، اعتبار ندارد؟ اینها را که می‌گوییم ما خودمان از خودمان درنیاوردیم که، من فکر می‌کنم بهتر باشد که واقعاً در مسائل به گونه‌ای عمل بشود که انشاءالله مسائل سیر درستی را به خودش بگیرد و نتایج بهتری را بدهد.

بحثی شد راجع به امنیت سیستان و بلوچستان، گفتند نخیر (آقای نورا ظاهراً گفتند) گزارش وزارت اطلاعات غیر از این است! خوب جناب آقای بلندیان می‌گویند اتفاقاً گزارش ما اصلاً گزارش وزارت اطلاعات است! حالا بالاخره ما کدامش را بگوییم درست است؟ یعنی با یک جمله اینجا مطرح کردن که خیر! یعنی ما فرض آمدیم یک گزارش قشنگی نشان دادیم از یک طرف گفته می‌شود که شما می‌خواهید مشکل برای نیروی انتظامی درست کنید، از یک طرف وقتی ما می‌آییم می‌گوییم خیلی خوب است تلاشها و زحمات این مخلصان نظام در جهت بهبود امنیت است می‌گویند چرا این را می‌گویید؟ ما نمی‌فهمیم کدامش بالاخره درست است؟!

اشاره کردند به آماري که خوانده شد راجع به فرماندار و اینها را گفتند شما با چه محاسبه کردید؟ مقیاستان چه بوده؟ اتفاقاً مقیاس ما با همانهایی است که برداشته شدند، یعنی این که اینجا گفته شد که مثلاً ۷۰ درصد جبهه‌ای آمده ۳۰ درصد رفته،

اتفاقاً با همان رفته‌هاست، یعنی مقایسه دقیقاً با کسانی است که برداشته شده‌اند. اگر گفته شده تحصیلاتشان این قدر رشد کرده، مردمی بودن یا بومی بودنشان که خلیه‌های آن‌را هم خود عزیزان دنبال آن بودند. چقدر وقت دارم؟ (رئیس: شما ۱۶ دقیقه وقت دارید) من یک مطلب دیگری هم جناب آقای باهنر مطرح کردند که من صبح مطرح کردم که چرا موارد ریز نشده؟ من بحثم همین بود که به اصطلاح اگر مصاحبه‌ای بوده یا سخنرانی شده یا عزل و نصبی بوده اگر مورد ذکر می‌شد ما اینجا با دست پر می‌آمدیم، نه این که وجود ندارد. می‌آمدیم می‌گفتیم این سخنرانی متنش این است از آن هم یا دفاع می‌کردیم یا می‌گفتیم اشتباه شده، اگر اشتباه بود که من الآن که اینجا خدمت شما هستم در صحبت‌های خودم که تا الآن داشتم هیچ اشتباهی را تا الآن به ذهنم نمی‌رسد. آلا این که یک وقت موردی را بیایید تذکر بدهید بگویید که اشتباه شده، این که ما در یک جا نقد را بگوییم خوب است، در یک جایی نقد را بنا بر دید خودمان یک تفسیر جدیدی روی آن بگذاریم بگوییم معنی آن حمله است، من حالا این را نمی‌فهمم خوب حالا اینها یک نظرات خاصی است که مطرح می‌شود. من برای این که بیش از این وقت نمایندگان محترم مجلس را نگیرم، واقعاً احساس می‌کنم که در شرایط فعلی و در دنیای کنونی و در انقلاب اسلامی ما که انقلابی دینی است ما باید به گونه‌ای حرکت کنیم که انشاءالله به‌حول و قوه‌الهی جاذبه دین بتواند در قلوب تمام نسل انقلاب ما رسوخ کند. عزیزان! شما در کشوری هستید که بیش از ^۲ جمعیت آن شناخت از قبل از انقلاب ندارد و این خیلی نکته مهمی است یعنی شما بیش از ^۳ ۴۲ میلیون جمعیت کشورتان ۳۰ سال به پایین هستند یعنی یا در روز اول انقلاب ۱۰ سالش بوده، یا هنوز به دنیا نیامده بوده، این نسل، قبل از انقلاب شما را ندیده تا مقایسه بکند بگوید قبل از انقلاب این عیبها بود و الآن بحمدالله این محاسن پیدا شده، او شرایط امروز را با شعارها، با ضابطه‌ها، با مطالبی که شما ارائه می‌دهید مقایسه می‌کند. نگذاریم در شرایط فعلی کشور این نسل از دست ما برود، تمام حرف ما این است. ما اگر امروز بحث توسعه سیاسی مطرح می‌کنیم، بحث دفاع از آزادی مشروع مطرح می‌کنیم، بحث دفاع از قانونمند شدن را در جامعه مطرح می‌کنیم، بحث حقوق مردم و حاکمیت ملی را مطرح می‌کنیم، به خاطر این است که انقلاب، نظام، حاکمان نظام بیشتازان این شعارها بشوند، این شعارها را مخالفین نظام از دست ما نگیرند، نکند خدای ناخواسته ما به گونه‌ای عمل بکنیم که فردا مواجه بشویم با این که جوانی

که باید همراه ما، همگام ما باشد طعمه‌ای برای دشمن شده، زیباییهایی دین، جاذبه‌های دین، دفاع از حقوق شهروند، دفاع از قانون و قانونمداری، دفاع از تأمین آزادیهای مردم باید شعار اولیه نظام و مسئولین نظام باشد. البته من هم اعتقاد این است همان‌گونه که خشونت در برخوردها و در رفتارها می‌تواند برخورد با آزادیهای مشروع نظام باشد، بی‌بند و باری، هرج و مرج طلبی، اباحه‌گری و لایبالیگری هم اتفاقاً روی دیگر همین سکه است. یعنی در دو روی یک سکه شما یک سمتش خشونت را می‌بینید و در سمت دیگر آن بی‌بند و باری و سوء استفاده از آزادی که هر دو اینها می‌خواهد لطمه به اصل آزادیهای مشروع بزند، این ما هستیم که باید در چارچوب بهره‌برداری صحیح و درست از اسلام، از قرآن، از قانون اساسی تلاش کنیم و دیگران بهره‌برداری سوء نکنند و خدای ناخواسته ما را در دفاع از این مسائل و این موضوعات به موضع انفعال نکشانند. من تشکر می‌کنم از ریاست محترم مجلس شورای اسلامی که به خوبی جلسه را اداره فرمودند و از همه نمایندگان بزرگوار و مردم شریف و عزیز و گرانقدر و همه کسانی که در طول این چندروزی که بحث استیضاح مطرح بود من را قرین لطف و محبت خودشان قرار دادند. در پایان صحبت‌م چند نکته را اشاره می‌کنم:

این‌که ما باید پشتیبان نهادها، ارزشها و ملاکها و ضوابط باشیم، شخص می‌آید و می‌رود؛ امروز هست، فردا نیست، آن‌که برای ما ماندنی است و ماندگار است نظام اسلامی است که همه ما باید پشتیبان نظام باشیم. دشمنان انقلاب هم بدانند که این اختلاف نظرها اختلاف نظرهای داخلی است، یک وقت خدای ناخواسته فکر نکنند که این بحثها ما را در مقابل جبهه بیرونی دچار سستی و ضعف می‌کند ما همچنان بر سر پیمانی که با اسلام و قرآن بستیم حاضریم و همه این مسائل را به عنوان اختلاف سلیقه می‌دانیم.

در اینجا هم خدمت شما عرض می‌کنم که اگر مجلس به من رأی اعتماد نداد خدای را بر این‌که این بار سنگین مسؤلیت از دوش من برداشته شده شاکرم و این را علامت رحمت الهی درباره خودم می‌دانم و اگر رأی اعتماد داد دیگر بار تجدید قوا می‌کنم و با عنایات الهی و با تکیه بر حمایت مردم و مجلس محترم انشاءالله در حد مسؤلیتی که دارم تلاش خواهم کرد و اینجا خدمت شما هم عرض می‌کنم که عبدالله نوری وزیر کشور همانند یا همانند انشاءالله تا آخرین لحظه حیات، خود را خدمتگزار

نظام و انقلاب و رهبری نظام می‌داند و من امیدوارم انشاءالله در جهت تصاحب این پستها و مقامها بر سر خون شهیدان و اشک چشم یتیمان و آه و ناله بیوزنان ما نخواهیم در پستها و تصاحب مسؤولیتها دنبال تنازع و ترافع باشیم. من به سهم خود از همه شما عزیزان تشکر و تقدیر می‌کنم. والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته.

عده‌ای از نمایندگان: احسنت، احسنت.

رئیس: متشکر، خوب با تشکر از همکاران عزیز، استيضاح‌کنندگان محترم و وزیر محترم کشور و سایر همکاران و همه همکاران عزیزم که امروز انصافاً تا آنجایی که من سراغ دارم از اولین دوره مجلس بودم تا الآن، امروز جزو بهترین جلساتمان بود، جلسه را شما اداره کردید با نظمی که به جلسه دادید و تشکر از مسؤولین اجرایی که لطف فرمودند و زینت‌بخش جلسه ما بودند. از مسؤولین اجرایی تشکر می‌کنیم و از آنها التماس دعا داریم آنها تشریف ببرند. نمایندگان هم بنشینند برای این که ما می‌خواهیم شمارش داشته باشیم. من این توضیح را مجدداً بدهم، براساس اصل ۱۳۵ و تفسیر شورای محترم نگهبان رأیی که داده می‌شود رأی به عدم اعتماد است یعنی کسانی که طرفدار استيضاح و در واقع عزل وزیر محترم کشور هستند رأی سفید می‌دهند، روی کارتهایی که خدمتتان است نوشته شده استيضاح وزیر محترم کشور، موافقین با استيضاح در گلدان، سفید می‌اندازند مخالفین با استيضاح و طرفداران ابقای وزیر کشور کارت کبود در گلدان می‌اندازند، ممتنع هم نقش مخالف را دارد این هم مشخص باشد. ممتنع معنایش این است که آن رأی اعتماد قبلی که دادیم از آن منصرف نشدیم نتوانستیم تصمیم بگیریم. بنابراین آن به قوت خودش باقی است در واقع نقش کارت زرد و کارت کبود یکی است معنایش ابقاست و کارت سفید معنایش عزل است، این بیان مسأله. اگر کسی هم رأی ندهد باز مخالف حساب می‌شود. مخالف استيضاح و طرفدار ابقا می‌شود، ندادن رأی، کبود رأی دادن و زرد رأی دادن همراهش یکی است. حضار ۲۶۰ نفر، گلدانها را آماده بفرمایید کسی هم تا پایان رأی‌گیری از سر جایش تکان نمی‌خورد تقاضای بنده این خدمتگزار کوچکتان است. سفید موافق استيضاح، کبود مخالف استيضاح، ممتنع مخالف استيضاح معنا دارد، رأی ندادن هم مخالف استيضاح معنا دارد بفرمایید سریع رأی را جمع کنید.

البته جناب آقای موحدی ساوجی نامه‌ای را نوشته بودند می‌خواستند تذکر بدهند و من فراموش کردم بخوانم و بگویم که حالا جناب آقای وزیر تشریف بردند (عده‌ای

از نمایندگان: ممکن است در رأی‌گیری تأثیر داشته باشد) نه این چیزی را ندارد و چیزی را عوض نمی‌کند فقط بحث این بود، بحث کمیسیون امور داخلی بود که ایشان اشاره کرده بودند که آنجا مطالبش پخش شد ایشان فرمودند که مطالب کمیسیونها اولاً سرّی و محرمانه نیست، بعداً هم غیر از اعضای کمیسیون، اعضای دیگر هم شرکت می‌کنند و بعد هم از کمیسیونهای دیگر هم همچنین بعضی از مسائل و مطالب بیرون رفته این که اختصاص به یک کمیسیون و اینها نیست. این نکته را خواستند بگویند که حق کمیسیون محفوظ بماند، این چیزی را جابجا نمی‌کند.

عرض می‌شود که راجع به چهارشنبه همکاران عزیزمان می‌گویند چون بین التعطیلین است تعطیل بشود. اعتقاد بر این بود که جلسه باشد چون هفته بعدش را ما تعطیلیم اما به لحاظ این که امروز خوب جلسه را اداره کردید و جایزه می‌خواهید، بین التعطیلین را هم با اجازه اعضای هیأت رئیسه تعطیلش می‌کنیم.

عده‌ای از نمایندگان: احسنت، احسنت.

اخذ رأی با ورقه به عمل آمد و نتیجه به شرح ذیل اعلام گردید.

رئیس: نمایندگان محترم عنایت بفرمایید ۲۶۸ نفر کارت گرفتند، ۲۶۵ کار انداختند، تابلو هم ۲۶۰ بوده. ما در عین حال حضار را ۲۶۰ نفر اعلام کردیم. حالا ۲۶۰ حساب می‌کنیم، مجموع آرا هم در عین حال آن پنج‌تای اضافه را هم از هر یک از اینها حساب بکنید، در نتیجه فرقی نمی‌کند. سفید ۱۳۷ رأی، کبود ۱۱۷ رأی، زرد ۱۱ رأی.

رأی. بنابراین جناب آقای عبدالله نوری رأی اعتماد را نیاوردند و رأی عدم اعتماد به ایشان داده شده. (تکبیر حضار).

۶. اعلام ختم جلسه و تاریخ تشکیل جلسه آینده

رئیس: ختم جلسه اعلام می‌شود. جلسه بعد ما چهاردهم تیرماه، صبح ساعت ۸ دستور جلسه هم دستور هفتگی است که خدمتان تقدیم می‌شود.

جلسه ساعت ۱۷/۲۷ پایان یافت.

رئیس مجلس شورای اسلامی

علی اکبر ناطق نوری